

نمادهای عرفانی در نگاره‌های بهشت معراج نامه میرحیدر (بر اساس آیات قرآن و اندیشه‌های اسلامی)^۱

مهدی محمدزاده^۲

رحیم چرخي^۳

زهرا یاری^۴

ولی جوادی آذر^۵

چکیده

توصیف بهشت، در قرآن و روایات اسلامی به تفصیل بیان شده است. نقاشی اسلامی نیز بنا به ضرورت نسخ مصور، به تصویرگری این موضوع توجه نموده است. یکی از نسخی که موضوع بهشت به صورت گسترده در آن تصویرسازی شده است نسخه مصور معراج نامه میرحیدر است که به توصیف روایی معراج پیامبر ﷺ پرداخته است. با توجه به ماهیت معنوی موضوع معراج از یک سو و بافتار عرفانی عصر تیموری از سوی دیگر، نگارگران این نسخه به دفعات از نمادهای عرفانی در تصویرگری آن بهره برده‌اند. هدف: دستیابی به نحوه ترجمان بصری بهشت و روایت‌های قرآنی آن توسط نقاشان دوره تیموری است.

پژوهش حاضر می‌کوشد ضمن شناسایی و مطالعه نمادهای عرفانی این نگاره‌ها با

۱. این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد زهرایاری تخت عنوان «تصویرگری بهشت و جهنم با مطالعه نمونه‌های برجای مانده در معراج نامه احمد موسی و میرحیدر» است که به راهنمایی دکتر مهدی محمدزاده و آقای رحیم چرخي در دانشگاه هنر اسلامی تبریز ارائه شده است.

۲. دانشیار دانشگاه هنر اسلامی تبریز؛ m.mohammadzadeh@tabriziau.ac.ir

۳. مربی دانشگاه هنر تبریز؛ r.charkhi@tabriziau.ac.ir

۴. کارشناسی ارشد دانشگاه هنرهای اسلامی تبریز؛ yari.zara@gmail.com

۵. مربی دانشگاه هنر اسلامی تبریز؛ javadiazar@tabriziau.ac.ir

روش توصیفی - تحلیلی، به بررسی شش نگاره بهشتی از نسخه مذکور بپردازد که به روش کتابخانه‌ای به دست آمده‌اند.

سؤال پژوهش این است؛ مصوران این نسخه از کدام نمادهای عرفانی در بیان تصویری بهشت بهره گرفته‌اند؟

نتایج نشان می‌دهد: نگارگران علاوه بر مصور نمودن داستان؛ به بیان مفاهیم نمادین مورد نظر خود پرداخته‌اند، این بیان تصویری برگرفته از دیدگاه عارفانه مصور این نگاره‌ها است، از جمله مفاهیمی همچون: محراب، تاج، نهرها و... تا از معنای ظاهری که بیانگر داستان است، به معنای باطنی که همان معارف آموزه‌های دینی است رهنمون شوند.

▲ کلیدواژگان

تصویرگری بهشت، توصیف بهشت، معراج نامه میرحیدر، نمادهای عرفانی.

مقدمه ▀

هنر اسلامی هنری است با لایه‌های باطنی؛ همانطور که قرآن علاوه بر معنای ظاهری، دارای معنای باطنی و هرآیه، برخوردار از هفت یا هفتاد بطن است (سبعة ابطن او سبعین بطناً) و مصداق متنی حکیمانه است.^۱

هنرمند مسلمان بر اساس مبانی عرفانی و اعتقادی کوشیده تا حقایق مکنون هستی را به تصویر بکشد؛ بنابراین با این نگرش، کاربرد عناصری همچون گنبد، تاج، درخت و... بیانی حکیمانه از عالم حس است. این عناصر برآمده از مضمون و غایتی است که هنرمندان به واسطه آن‌ها، حقایقی را ورای ظواهر نشان دهند. از جمله این رویکردها، نگاره‌های بهشت در نسخه‌ی خطی معراج نامه‌ی میرحیدر می‌باشند. مقاله حاضر در پی دستیابی به نحوه بیان تصویری، از عناصر توصیفی بهشت در نگاره‌های مذکور است و به بررسی و مطالعه نمادهای عرفانی موجود در شش نگاره بهشتی از این نسخه، با روش توصیفی - تحلیلی پرداخته است؛ که به روش کتابخانه‌ای به دست آمده‌اند؛ بنابراین ضرورت این پژوهش در دستیابی به نحوه بیان تصویری این نگاره‌ها، شناسایی و مطالعه نمادهای موجود در این نگاره‌ها است. هدف از این مقاله دستیابی به نحوه ترجمان بصری بهشت و روایت قرآنی آن توسط نقاشان

تیموری است. در همین راستا سؤال اساسی تحقیق حاضر این است که تصویرگران تیموری معراج نامه میرحیدر از چه نمادهای عرفانی در بیان تصویری بهشت بهره گرفته‌اند؟ نتایج به دست آمده از خوانش نگاره‌های بهشتی این معراج نامه، بیان می‌دارد: نگارگران در بازنمایی بصری این نگاره‌ها بر اساس منابع ارزشمندی چون قرآن، احادیث و روایات دست به قلم برده‌اند و علاوه بر مصور نمودن روایت ادبی به بیان مفاهیم مورد نظر خود نیز پرداخته‌اند. این بیان با رویکردهای بصری متنوع در اثر دیده می‌شود که با نمادهای عرفانی همگام است. نمود این مفاهیم عرفانی در نگاره‌های این نسخه به واسطه تعدادی عناصر و عوامل تصویری اصلی و ثابت است که از ویژگی‌های بارز در بهشت هستند و با اندکی تغییر در نگاره‌های دیگر نیز مشاهده می‌شوند همچون: نقش محراب که در تمامی معماری‌های مقدس، صورتی از قدس الاقدس یعنی تجلیگاه خداوند بوده؛ نمادی از تلاقی عرش با فرش، یا خدا با انسان است. یکی از معانی نمادین محراب دروازه‌ای به سوی روح و به سوی باطن و ماورای خود حقیقی انسان است و نشان دهنده‌ی دری به عالم دیگر، یعنی پردیس است و نیز مواردی همچون تاج، تخت، دست در آستین داشتن، شکوفه‌ها و درختان با تنه‌ی طلایی، نهرها، حوریان و...

بیشینه تحقیق

بررسی‌های انجام شده در خصوص پیشینه، نشان می‌دهد که اغلب منابع به مباحث کلی از جمله: موضوع معراج و چگونگی آن، پیامبر و فرشتگان و... پرداخته‌اند. از منابعی که مشخصاً به توصیف بهشت پرداخته باشند می‌توان به «رساله الغفران» (تهران: ۱۳۷۹)، نوشته‌ی ابوالاعلاء معری که سیر بهشت و جهنم را روایت می‌کند، معری این رساله را از زبان ابن قارح می‌نویسد و پس از آنکه جایگاه وی را در بهشت تصور می‌کند به توصیف بهشت می‌پردازد در آنجا شاعرانی را می‌یابد که با وجود گناهکاری، با شفاعت به بهشت وارد شده‌اند وی همچنین به دیدار دوزخیان می‌رود و... در میان مقاله‌های مطالعه شده می‌توان به مقاله «مقام بهشت در هنرهای سنتی ایران» نوشته‌ی نیر طهوری، (نشریه خیال، شماره ۱۶، ص ۴ - ۱۷، زمستان ۱۳۸۴) اشاره کرد که به شرح بعضی از مفاهیم و مراتب بهشت و همچنین

عناصر مربوط به آن از جمله: درخت زندگی، پل چینوت و راه‌ها و مراتب رسیدن به بهشت در کتب مقدس ایران باستان پرداخته و به بررسی ارتباط برخی از این مفاهیم با قرآن اشاره نموده است، از پایان‌نامه‌های دانشجویی نیز پایان‌نامه شهربانو منصور (۱۳۹۳) در مقطع کارشناسی ارشد، از دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه با عنوان «توصیفات قرآن از بهشت و جهنم، نماد یا واقعیت» به مطالعه و تحلیل در خصوص زبان قرآن و بلاخص زبان نمادین پرداخته است و در سایه این مهم بیان می‌دارد که قرآن در بیان توصیفات خود از بهشت و جهنم از زبان نمادین بهره جسته است. در پایان‌نامه «تبیین ویژگی‌های تصویری بهشت و جهنم در معراج‌نامه شاهرخی» از دانشگاه شاهد در مقطع کارشناسی ارشد نوشته محبویه زارع مهرجردی (۱۳۸۸)، به مضامین بهشت و جهنم به‌عنوان بخشی معراج‌نامه و شناسایی تصویری آن، ساختار بصری و ارتباط آن با موضوع تصویرسازی شده پرداخته است که طی آن به ارتباط معنی‌دار بین ساختار ترکیب‌بندی و رنگ‌ها و نمادهای استفاده شده، با روایت مذهبی آن توجه شده است. همچنین کتاب «معراج‌نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی مردمی با نگاهی به پیکرنگاری حضرت محمد ﷺ» به نگارش هلنا شین‌دشتگل، تهران: علمی فرهنگی، (۱۳۸۹) را نام برد که در آن موضوع معراج حضرت محمد ﷺ را در شاخص‌ترین دوره‌های مختلف نگارگری مورد بررسی قرار داده و به تطبیق معراج‌نگاری‌های انجام شده در گستره وسیع تاریخ نقاشی ایران پرداخته است، پژوهش‌های مذکور بیشتر نگاهی کلی و معطوف به موضوع معراج پیامبر را داشته‌اند و به‌صورت اجمالی به مشاهدات پیامبر از بهشت و جهنم در حین معراج اشاره شده است؛ اما در هیچ یک از این منابع به‌طور جامع به بررسی تصاویر بهشت، ارتباط و شکل‌گیری این تصاویر با متن قرآن و بررسی عناصر نمادین موجود در نگاره‌های این نسخه خطی پرداخته نشده است.

▀ روش انجام تحقیق

به‌منظور دستیابی به هدف پژوهش که در پی شناسایی و مطالعه نمادهای عرفانی از عناصر بصری بهشت و روایت‌های قرآنی در تصویرگری نقاشان تیموری است، ابتدا به معرفی پیکره مطالعاتی مورد نظر پرداخته و شش نگاره بهشتی از معراج‌نامه میرحیدر را مورد بررسی قرار

داده که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش استقرایی انجام یافته است و در ادامه پس از تبیین مختصات بهشت در قرآن به توصیف و تحلیل ویژگی‌های زیبایی‌شناختی (محتوای) آثار و شناسایی نمادهای موجود در عناصر بصری این نگاره‌ها؛ با استفاده از تفاسیر عرفانی و توصیفات قرآنی پرداخته شده است.

▲ معراج نامه میرحیدر و نگاره‌های بهشت

در میان آثار باقیمانده از عصر تیموری نسخه خطی ارزشمند و مصور معراج نامه میرحیدر «۸۴۰ - ۸۳۹» موجود است که مربوط به دوره حکومت شاهرخ است. این نسخه خطی واجد ۲۶۵ صفحه به ابعاد «۲۲/۵×۳۴» سانتی‌متر و ۶۱ تصویر است که در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. این معراج نامه توسط میرحیدر به زبان ترکی اویغوری نوشته شده و به دست مالک بخشی هراتی کتابت شده است (رزسگای، ۱۳۸۵: ص ۷-۸) و بعدها در صفحات آن ترکی عثمانی و عربی حاشیه‌نویسی شده است. نگاره‌های نسخه در ابعاد متنوع و عموماً در وضعیت مربع با ترکیب‌بندی ساده و یکنواخت در حالت متقارن، در جداول زرین، میان متن نخودی رنگ کاغذ مصور شده است (شین‌دشتگل، ۱۳۸۹: ص ۱۱۸). نسخه مورد نظر علاوه بر محتوای مذهبی، به لحاظ شیوه بیان تصاویر آن و هم به لحاظ تحولات خطی در نوشتار، اهمیتی درخور توجه در هنر اسلامی دارد و همچنین منبع قابل توجهی در جهت فهم مفاهیم و باورهای مذهبی عصر تیموری است.

تجسم ملموس تراز بهشت و یا به نوعی بازنمایی بصری آن و نعمت‌هایش، هرچند به صورت پراکنده موضوع تصویرگری در مکاتب مختلف اسلامی بوده‌اند ولی هیچ نسخه مصوری به اندازه معراج نامه میرحیدر، بخش‌های مختلف بهشت را مورد توجه قرار نداده است. تصاویر بهشتی در این نسخه شامل شش نگاره است که به تصویرگری دیدار پیامبر ﷺ از بهشت و بخش‌های مختلف آن پرداخته است (جدول شماره ۱).

جدول ۱ - نگاره‌های بهشت در معراج‌نامه میرحیدر (مؤلف)

ردیف	عنوان نگاره	شماره صفحه
۱	ورود به بهشت	۴۷۲
۲	درخت سدره‌المنتهی	۳۴۷
۳	مشاهده زیبارویان بهشتی در باغ بهشت	۴۹۷
۴	ملاقات با یکی از اولین زنان مؤمن اسلام	۵۱۷
۵	مشاهده حوریان بهشتی	۴۹۲
۶	تماشای حوض کوثر	۴۵۲

▲ عناصر و مختصات بهشت در قرآن

از آنجایی که در نظام‌های تصویری موجود، با تعدادی از عناصر ثابت و متغیر روبرو هستیم و این عناصر در نگاره‌های بعدی نیز مکرراً مشاهده می‌شوند در نتیجه از بین تصاویر بهشت در این نسخه بیشتر به بررسی تصاویری می‌پردازیم که دارای عناصر تصویری مشابه با متن قرآن هستند. لذا پیش از آنکه تصاویر مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم ابتدا به استخراج روایت قرآنی بهشت و عناصر وابسته به آن، پرداخته و سپس این عناصر را مبنای مطالعه قرار می‌دهیم.

توصیفاتی که از بهشت در قرآن کریم آمده است، تحت عناوین مختلف ذکر گردیده اما این توصیفات یکپارچه در یک سوره و یک بخش بخصوص نقل نگردیده است. می‌توان گفت قسمت عمده‌ای از تعاریفی که در خصوص بهشت آمده است مربوط به سوره‌های مکی است و در سوره‌های «الرحمن» و «واقع» تقریباً بیش از بقیه سوره‌ها به ذکر اوصاف بهشت پرداخته است.

از جمله توصیفات و تعاریفی که در قرآن، در رابطه با عناصر و مختصات بهشت می‌توان از آن‌ها نام برد؛ دره‌های بهشت، فرشتگان، حورالعین، غلمان، درختان، انهار، شراب‌های بهشتی و... می‌باشند که در بسیاری از سوره‌های قرآن مکرراً به توصیف آن‌ها پرداخته شده است.

قرآن در چندین سوره به دره‌های بهشت اشاره نموده: درحالی که فرشتگان از هر دری برآنان

وارد می‌گردند.^۲ و همچنین می‌فرماید: بهشت‌هایی جاوید که درها برایشان است^۳ و در آیه^۴ ۴۰ سوره اعراف ذکر شده است که: درهای آسمان به رویشان گشوده نمی‌گردد و وارد بهشت نمی‌شوند.^۴

از دیگر عناصر بهشت، فرشتگان می‌باشند که قرآن نیز در بسیاری از آیات به آن‌ها اشاره فرموده است: و هر نفسی که می‌آید همراه او سوق‌دهنده و گواهی است.^۵

یکی از عناصر مرتبط با بهشت حورالعین است که راجع به آن‌هم در قرآن و هم در احادیث به کرات سخن به میان آمده است، «حور، جمع (حوراء). سیه‌چشمان سپید اندام. ولی در فارسی به معنای مفرد به کار می‌رود و به علامت جمع فارسی [حوران] آن را جمع بنندند» (دهخدا، ج ۶، ۱۳۷۷: ۹۲۳۴) در قرآن کریم از این موجودات که در بهشت همدم و انیس مؤمنان و زاهدان خواهند بود، در آیات ۵۶، ۵۸، ۷۰، ۷۲، ۷۴، سوره الرحمن، آیه ۵۴ سوره دخان، آیه ۲۰ سوره طور، آیه ۲۵ سوره بقره و آیات ۲۲، ۲۳، ۳۴، ۳۵ سوره واقعه تحت عنوان حورعین ذکر شده است.

غلمان از دیگر مختصات بهشت خدمتگزاران بهشتی است که به تصریح در قرآن کریم از آنان نام آورده شده است. غلمان، جمع غلام است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۱۶۷۸۶) به معنی، پسر جوان و خوبروی که کمر به خدمت اهل جنت بسته‌اند.

و پیوسته در گرد آن‌ها (بهشتیان) نوجوانانی برای خدمت آنان گردش می‌کنند که همچون مروارید در صدف‌اند.^۶ همچنین در آیات ۱۵، ۱۹ سوره انسان از آن‌ها نام برده شده.

درخت به مثابه حقیقت حیات بخش از عوامل بنیادی بهشت و به همین دلیل، نشانی از زندگی و حیات جاودان و رمزی مرگی است. درعین حال دیگر صفات الهی، نظیر دانش و علم به نیک و بد، بدان نسبت داده می‌شود، خداوند به مثابه نور آسمان‌ها و زمین، نورش همچون چراغی است که از شجره مبارکه زیتون افروخته باشد.^۷

با استناد به قرآن کریم سدره‌المنتهی (طوبی)، سدر و طرح از جمله درختان زیبای بهشتی هستند که مورد اشاره قرار گرفته‌اند: سدره‌المنتهی (طوبی)، درخت کُنار است بر فلک هفتم که منتهای اعمال مردم و نهایت رسیدن علم خلق و منتهای رسیدن جبرئیل عَلَيْهِ السَّلَام است و هیچ‌کس از آن نگذشته مگر پیغمبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ. (دهخدا، ج ۹، ۱۳۷۷: ۱۳۵۲۰)

در آیات ۱۳ - ۱۶ سوره نجم دومین دیدار پیامبر و جبرئیل را در پای درخت سدرۃ‌المنتهی بازگو کرده است: قطعاً هم او را دیده، نزدیک سدرۃ‌المنتهی، در همان جا که جنة‌المأوی است. آنگاه که درخت سدر را آنچه پوشیده بود.^۸

(طوبی) مؤنث (أَطْيَب) یعنی پاکیزه‌تر و حلال‌تر. این واژه صفت درختی است از درختان بهشتی که در قرآن از آن نام برده شده است: در آیه ۲۰ سوره مؤمنون آمده است «از طور سینا درختی برمی‌آید که روغن و نان خورشی برای خورندگان است».

کسانی که ایمان ورزیدند و نیکوکاری پیشه کردند، طوبی برای آنان است و نیک انجامند.^۹ در آیات ۲۸ و ۲۹ سوره واقعه از سدر مخضود: درختان پرمیوه بی‌خار و طلع منضود: درختان موز پربرگ سایه‌دار که میوه‌شان از پایین تا بالا روی هم چیده شده نام برده است.

در بهشت نهرها و چشمه‌های گوناگونی وجود دارد که چهار نمونه آن در آیه ۳۵ سوره رعد و آیه ۱۵ سوره محمد آمده است و همچنین به نمونه‌های دیگری از آن‌ها نیز در سوره دهر اشاره شده است. در وصف این نهرهای چهارگانه که از زیر غرفه‌های بهشتی جاری است زیباترین توصیف به کار بردن ترکیب «جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ»^{۱۰}، هست که دائماً از زیر درختان و قصرهای آن (نه زیرزمین آن)، جوی‌های آب جاری است. این مفهوم در ۴۱ جای قرآن آورده شده است که در ۳۷ مورد آن، ترکیب لغوی «بهشت اخروی با نهرهای جاری» به‌کاررفته است. در آیه ۱۵ سوره محمد، بهشت متشکل از ۴ رودخانه بیان می‌گردد:

۱. رودخانه‌ای از آب زلال که هیچ‌وقت قطع نمی‌شود^{۱۱}

۲. رودخانه‌ای از شیر که مزه آن هیچ‌وقت تغییر نمی‌کند^{۱۲}

۳. رودخانه‌ای از شراب^{۱۳}

۴. رودخانه‌ای از عسل^{۱۴}

در قرآن مکرراً از تخت‌های بهشتی و مجالس دسته‌جمعی بهشتیان توصیف‌های جالبی شده است، موضوع تخت‌های بهشتی به‌عنوان نمونه در آیات و سوره‌های قرآنی ذیل مطرح گردیده است:

آن‌ها و همسرانشان در سایه‌ها (ی قصرها و درختان بهشتی) بر تخت‌ها تکیه کرده‌اند

این در حالی است که بر تخت‌های صف‌کشیده در کنار هم تکیه می‌کنند و حورالعین را به همسری آن‌ها درمی‌آوریم.^{۱۵}

آن‌ها (مقربان) بر تخت‌هایی که صف‌کشیده و به هم پیوسته است قرار دارند درحالی‌که بر آن تکیه کرده و روبه روی یکدیگرند.^{۱۶}

ازجمله آیاتی که به توصیف ظرف‌های بهشتی پرداخته می‌توان به آیات ۷۱ سوره زخرف، ۲۳ سوره طور، ۱۸ و ۱۹ سوره واقعه و ۳۴ سوره نبأ اشاره کرد.

لباس و پوشاک بهشتیان از دیگر مواردی است که قرآن در رابطه با بهشتیان به آن اشاره کرده است: اشاره دارد به اینکه پرهیزکاران در این دنیا به زرق و برق‌ها بی‌اعتنائی کردند و خود را اسیر زروزیور نساختند^{۱۷}، این پیشگامان در خیرات در آن بهشت جاویدان به دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته‌اند و لباسشان در آنجا حریر است.^{۱۸}

جدول (۲) جمع‌بندی مختصات و ویژگی‌های بهشت‌های چهارگانه بر اساس توصیفات قرآنی (مؤلف)

جنت نعیم	جنت مأوی	جنت عدن	جنت فردوس
تخت‌های به هم پیوسته و فرش‌های پربها	وجود سدره‌المنتهی	وجود درب‌های متعدد	وجود غرفه‌های بهشتی
نوجوانان دائمی با کوزه و مشربه و جام‌هایی از شراب ناب در حال طواف		نهرهای جاری در زیر درختان	
شرابِ سپید سربسته و مهر کرده		زیورهای زرین	
آبشارها		لباس‌های سبز حریر دیبا	
میوه و گوشت			
سایه‌ی درختان سدر پر میوه بی‌خار و درختان پر برگ سایه‌دار وجود (سدرمخضود) و (طلح منضود)			
زنان سیه‌چشم			

▲ معرفی و خوانش نگاره‌ها

مبحث بهشت هرچند به صورت پراکنده موضوع تصویرگری در مکاتب مختلف اسلامی بوده است ولی هیچ نسخه‌ی مصوری به اندازه‌ی معراج‌نامه میرحیدر بخش‌های مختلف بهشت را مورد توجه قرار نداده است. سفر آسمانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و بازدید از بهشت، بهانه‌ای شده است تا نگارگران این نسخه تصاویر متعددی از مراتب و زوایای مختلف بهشت ارائه دهند. تصاویر بهشت در این نسخه خطی شامل شش نگاره است (جدول شماره ۱). از آنجایی که در نظام‌های تصویری موجود، با تعدادی از عناصر ثابت و متغیر در ارتباط هستیم و این عناصر در نگاره‌های بعدی نیز مکرراً مشاهده می‌شوند در نتیجه از بین تصاویر بهشت در این نسخه به بررسی تصاویری می‌پردازیم که دارای عناصر تصویری مشابه با متن قرآن می‌باشند از جمله: وجود نهرهای چهارگانه، درخت سدره‌المنتهی، تخت‌های بلند، حورالعین و نهرهای جاری در زیر قصرهای بهشتی و... بنابراین با توجه به موارد فوق به بررسی ۴ تصویر از نگاره‌های بهشت پرداخته می‌شود.

نگاره ۱: ورود به بهشت: در اینجا دروازه‌ی بهشت مشاهده می‌شود پیامبر همراه با جبرئیل با فرشته نگهبان که با پوششی قرمز رنگ و تاجی بر سر، در پشت یک در نیمه‌باز ایستاده است در حال گفتگو است. تصویر سه نهر از نهرهای چهارگانه‌ی بهشت (شیر، آب، شراب و عسل) در پس‌زمینه تصویر مشاهده می‌شود.



↑ تصویر ۱ - ورود به بهشت، برگ ۴۷ پشت، نیمه‌اول قرن ۹ ه.ق، مأخذ: (رزسگای، ۱۳۸۵: تصویر ۴۰)

نگاره ۲: درخت سدره‌المنتهی (طوبی): این نگاره سدره‌المنتهی را به صورت درختی عظیم نشان می‌دهد که از پای آن چهار نهر بزرگ جاری می‌شوند. پیامبر صلی الله علیه و آله در این نگاره

همراه با جبرئیل، در اطراف این درخت، برزمینه‌ای لاجوردی‌رنگ، به تصویر درآمده‌اند. تنه و شاخه‌های درخت با رنگ طلایی و به وسیله لکه‌های زرد، قرمز، آبی و سبز آذین شده است و در پای درخت نهرهای چهارگانه با بوته‌های سبزرنگ از هم جدا شده‌اند.



↑ تصویر ۲ - درخت سدره‌المنتهی، برگ ۳۴، نیمه‌اول قرن ۹ ه.ق، مأخذ: (همان: تصویر ۳۱)

نگاره ۳: مشاهده زیبارویان بهشتی در باغ بهشت: در این نگاره درختی ظریف با تنه زرین در مرکز تصویر قرار دارد و روی آن یکی از بهشتیان ایستاده و در حال دادن گل به دیگری است. تصویر هفت حوری با لباس‌های رنگین دیده می‌شود که در حالتی نشسته بر تخت‌های زرین و ایستاده کنار هم بر لبه یک نهر آب، قرار دارند. همچنین تعدادی از پرندگان رنگی را بر بالای درخت و بر روی سرحوریان می‌توان دید.



↑ تصویر ۳ - مشاهده زیبارویان بهشتی، برگ ۴۹، نیمه‌اول قرن ۹ ه.ق، مأخذ: (همان: تصویر ۴۱)

نگاره ۴: ملاقات با یکی از اولین زنان مؤمن اسلام: این نگاره نمای یک قصر هشت ضلعی را نشان می‌دهد که در آن جماعتی از حوریان در پایین نگاره، مقابل پیامبر ایستاده‌اند. یک نهر آب جاری از زیر ساختمان قصر عبور کرده است. در سمت راست بالای نگاره، تأکید بر طبیعت به واسطه نمایش چند برگ از شاخه‌های یک درخت، دیده می‌شود. در قسمت پایین نگاره، تصویری از زنان حورالعین دیده می‌شود که با پوششی آبی‌رنگ و تاجی بر سر از دیگر حوریان متمایز شده است.



↑ تصویر ۴ - ملاقات با یکی از اولین زنان مؤمن اسلام، برگ ۵۱، نیمه اول قرن ۹ ه. ق، مآخذ: (همان: تصویر ۴۳)

بافته‌ها

با بررسی چهار نگاره مذکور به تعدادی عناصر مشترک که در اغلب توصیفات تصویری بهشت حضور دارند دست می‌یابیم. دروازه و ورودی بهشت، درختان، نهرهای جاری در زیر قصرها و تخت‌های بهشتی و... از این نمونه‌اند که در تعدادی از نگاره‌ها تکرار شده‌اند و برخی عناصر دیگر نیز منحصراً در یک نگاره حضور دارند. در ادامه سعی خواهیم کرد بر اساس نگاره‌ها و روایات مذهبی نسبت به معناشناسی هر کدام از این عناصر اقدام کنیم.

یکی از عناصری که در نگاره‌های بهشت مکرراً تصویر شده است نهرهای جاری هستند: در نگاره ۲، تصویر چهار نهر دیده می‌شود که در آیه ۱۵ سوره محمد ﷺ نیز به آن‌ها اشاره شده است. منشأ این نهرها در پای درخت سدره است و امتداد آن‌ها در پایین کادر به خارج از تصویر کشیده شده است (تصویر ۵). ابن عربی در شرح معراج آورده است که پیامبر

در آنجا چهار رود دید: یکی از آن‌ها بسیار بزرگ بود و از آن آبراهه کوچکی منشعب می‌گشت و نیز از این رود بزرگ سه رود دیگر جوشیده می‌گشت، وی این رود بزرگ را به قرآن تعبیر کرده است و آن رودهای سه‌گانه را کتاب‌های سه‌گانه آسمانی: تورات و انجیل و زبور، معرفی نموده است و آبراهه‌هایی که از آن‌ها می‌گذرد را صُحُف می‌داند که بر پیامبران نازل شده است (ابن عربی، ۱۳۸۴: ص ۶۸) همچنین در فرهنگ واژگان ادبی و عرفانی از چشمه ورود به منبع فیض الهی تعبیر شده است (شین‌دشتگل، ۱۳۸۹: ص ۲۸) و مراد از آب نیز معرفت است (همان، ص ۱۱).



↑ تصویر ۵ - چهار نهر جاری (بخشی از تصویر ۲)

در نگاره ۱ نیز که دروازه ورودی بهشت را نشان می‌دهد، سه چشمه‌ی جاری آب، شراب و شیر را در پس‌زمینه آن می‌بینیم (تصویر ۶). در اصطلاحات صوفیان این چشمه‌ها، چشمه معرفت هستند که توسط روح، روشنایی یا اشراق یافته‌اند و وابسته به تفکر عمیق حق‌الیقین هستند (همان، ص ۱۰۵) که در اثنای ورود به این باغ، اهل عرفان چشمه معرفت وحدت وجود را پیدا می‌کنند. آبی که می‌جوشد، نور محض بوده و شراب غلبه عشق را گویند و این مخصوص کاملان است که در نهایت سلوک، اخص‌اند (همان، ص ۴۹۸). شراب به‌طور مطلق کنایه از «سکر محبت و جذبه‌ی حق است. عشق و ذوق سکر را به شراب تشبیه کرده‌اند» (کاشانی، ۱۳۷۲: ۸۱۳) و «نمادی است برای وجد که سبب می‌شود تا سالک هنگامی که در حضور (محضر) دید یا تجلی معشوق قرار دارد از خودبی‌خود شود» (معمارزاده، ۱۳۸۶: ۲۶۰) و شیر نماد علم لدنی و الهامی است و در حدیث است که پیامبر ﷺ فرمودند: در خواب مشاهده کردم که شیر می‌نوشم تا آنکه آب بسیاری از ناخن‌هایم بیرون آمد، آن را تأویل به علم نمودم» (تاج‌دینی، ۱۳۸۲: ۶۲۶).



↑ تصویر ۶ - نه‌های جاری (بخشی از تصویر ۱)

در نگاره ۱ تصویر سبزه‌ها و بوته‌هایی در اطراف این چشمه‌ها دیده می‌شود. در فرهنگ نمادهای عرفانی سبزه را عین معرفت گویند (اشتহারی، ۱۳۷۸: ص ۷۲) و در اصطلاحات صوفیان سبزه، «صفای روحانیت است که از عین‌الحیات معارف الهی در طور حقی پیدا می‌شود» (سبزواری، ۱۳۳۰: ص ۲۸۰) یکی از توصیفات قرآن در رابطه با نه‌های بهشتی جاری شدن آن‌ها از زیر قصرها است که در این نگاره‌ها نیز به تصویر درآمده است (تصویر ۷). پیامبر ﷺ در رابطه با نه‌های جاری شده در زیر قصرها فرموده‌اند: «عرض هر نه‌ری به اندازه مسیر پانصد سال راه است که این نه‌رها از زیر قصرها و حجاب‌ها دور می‌زند و عبور می‌کند و از امواجش صدای موسیقی طرب‌انگیزی که خدا را تسبیح می‌کند، شنیده می‌شود (مجلسی، ۱۳۸۶: ص ۱۴۶).



↑ تصویر ۷- نه‌جاری زیر قصر

امتداد یکی از این نهرهای چندگانه در چند نگاره بعدی از بهشت نیز دیده می‌شود این چشمه، نهرآب است که در قسمت پایین نگاره‌ها ادامه دارد (تصویر ۸ و ۹)



↑ تصویر ۸ - مشاهده حوریان بهشتی، ورق ۴۹ پشت، نیمه اول قرن ۹ ه. ق. مأخذ: (همان: تصویر ۴۲)

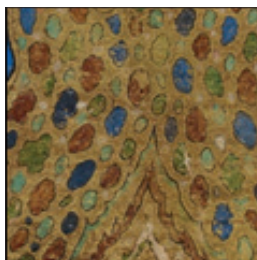


↑ تصویر ۹ - نهر جاری

بنابراین وجود نهرآب در این نگاره‌ها به گفته ابن عربی و تعبیراتی که از چشمه و آب و سبزه شده است، می‌تواند بر این اساس باشد که: قرآن (چشمه)، منبع فیض الهی است که سالک در سایه تمسک به آن از معرفتی (آب) که در آن نهفته است صفای روحانیت را از عین الحیات معارف الهی در جانش بیدار می‌کند.

درختان از دیگر عناصر بهشتی می‌باشند، از جمله سدره المنتهی که در نگاره ۲ دیده می‌شود؛ قرآن نیز از این درخت در سوره نجم آیه ۱۳-۱۵ نام برده است، آن را سایبان عظیمی معرفی نموده است که در جوار قرب رحمت حق امت‌هایی از نیکان و پاکان در سایه آن قرار دارند،

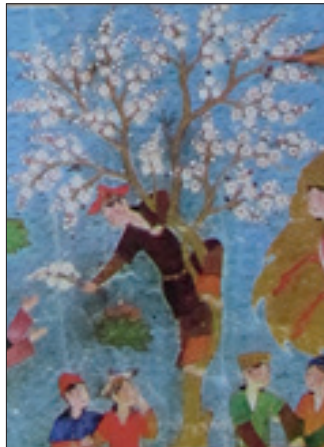
به طوری که در اصطلاحات و تعبیرات عرفانی نیز مراد از این درخت ظل حق تعالی و یا فیض حق است (رزسگای، ۱۳۸۵: ص ۳۸۲). ابن عربی نیز آورده است: «سدره‌المنتهی (طوبی) که اعمال بندگان بدانجا منتهی می‌گردد و اسرار استدلال کنندگان صاحبان الهام از درخت سدره‌المنتهی تجاوز نمی‌کند، زیرا اعمال آدمیان و نهایت هر امری - بدانچه که از آن آغازیده - بدانجا منتهی می‌گردد» (ابن عربی، ۱۳۸۱: ص ۲۹۹). ملاصدرا نیز آن را مثال نفس نیکبخت کریم می‌داند که مبدأ اصول معارف حقیقی و خوی‌های نیک است که آن‌ها را زینت و غذا و لباس قابل می‌باشند پس زینتش ناگزیر باید از نوع زینت علوم و معارف و خواها و ملکات نیکو باشد برای اینکه غذای نفوس علم است و لباسشان تقوا (ملاصدرا، ۱۳۷۸: ۴۰۵) در این نگاره روی تنه و شاخه‌های درخت بالکه‌هایی رنگی آذین شده است (تصویر ۱۰). در متن نسخه نیز از آن‌ها با عناوینی چون گوهر، یاقوت و زمرد نام برده است که در اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، یاقوت کنایه از «مقام معرفت و حجاب ذات است» (رزسگای، ۱۳۸۵: ص ۸۰۳). نیز آن را «جوهر نفسی گویند که از صفات امارگی و لوامگی و ملهمگی پاک شده باشد و به صفت صفای عدالت، اتصاف یافته باشد» (سبزواری، ۱۳۳۰: ص ۲۰۵) و گوهر را «روح، نفس ناطقه، حقیقت انسان کامل و معانی و صفات گویند» (رزسگای، ۱۳۸۵: ص ۶۷۹) از گوهر، در فرهنگ و نمادهای عرفانی با عنوان «معانی حقیقی» تعبیر کرده‌اند (اشتھاری، ۱۳۷۸: ص ۹۲) و زمرد در اصطلاح صوفیان، نفس کلی است که صور تمام موجودات در آن مرتسم است و محتملاً کنایه از فیض مقدس است که افعی نفس اماره را کور می‌کند، یعنی توفیق الهی در کردار پسندیده است (رزسگای، ۱۳۸۵: ص ۴۴۴). با توجه به گفته ملاصدرا، زینت‌های درخت سدره‌المنتهی (نفس نیکبخت کریم) در تصویر به شکل گوهر و زمرد و یاقوت آمده است.



↑ تصویر ۱۰ - لکه‌های رنگی روی درخت (بخشی از تصویر ۲)

سهروردی نیز درخت طوبی را نفس کلی می‌داند که نفوس جزئیه شعاع‌های آن هستند (سهروردی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۲) بنابراین می‌توان گفت زینت‌های درخت، نیز نفوس جزئیه می‌باشند که در سایه درخت طوبی (نفس کلی) قرار دارند؛ یعنی نفوس جزئیه مورد فیض حق واقع شده‌اند.

نگاره شماره ۳ بهشتیان را در باغ بهشت نشان می‌دهد در نگاره موجود دو درخت یکی در مرکز و دیگری در سمت چپ کادر تصویر دیده می‌شود (تصویر ۱۱) از درخت در فرهنگ و اصطلاحات عرفانی با عنوان درخت انسانیت تعبیر کرده‌اند (رزسگای، ۱۳۸۵: ص ۳۸۱)



↑ تصویر ۱۱ - درخت با تنه‌ی طلایی رنگ (بخشی از تصویر ۳)

این اصطلاح ظاهراً از آیه ۳۰ سوره قصص برگرفته شده است «فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ...» و نیز در اصطلاحات صوفیه، شجره عبارت است از انسان کامل (بورکه‌هارت، ۱۳۶۲: ص ۸۱۳)، همچنین شجره مبارکه را در اصطلاحات و تعبیرات عرفانی به فکر معنی کرده‌اند (فکر چون به امور روحانی مشغول شود و به معارف حقیقی روی آورد، شجره مبارکه است، زیرا همچنان که درخت را شاخه‌ها و میوه‌ها است فکر را نیز شاخه‌هاست و آن انواع افکار است که بدان میوه نور یقین رسد (رزسگای، ۱۳۸۵: ص ۴۹۸) گل‌ها و شکوفه‌های آن نتیجه علم است که در عرصه دل عارف ظهور می‌نماید

(اشتهاری، ۱۳۷۸: ص ۷۲)؛ بنابراین گل‌ها و شکوفه‌های رسته بر شاخه‌های این درختان علم و معرفتی است که در فکر و ذهن انسان کامل پیدا می‌شود و شکوفه‌های این باغ نیز «نماد یکپارچگی کثرت در وحدت است. وضعیت وحدت نمایانگر آگاهی از ذات هستی است یا مستغرق شدن در نور، هیچ فردیتی باقی نمی‌ماند، در اینجاست که می‌توان گفت سالک به هدف طلب یا حق‌الیقین نائل شده است» (معمارزاده، ۱۳۸۶: ص ۱۰۶). در مرکز نگاره شماره ۳، تصویری از بهشتیان دیده می‌شود که در بالای درخت ایستاده و در حال دادن گل به دیگری است این‌گونه تصویرسازی می‌تواند نمادی باشد از یک انسان کامل که نتیجه علم و معرفت خویش را با دیگری به اشتراک می‌گذارد. این تصویرسازی در نگاره دیگر نیز مشاهده می‌شود (تصویر ۱۲).



↑ تصویر ۱۲ - گل دادن بهشتیان به همدیگر (بخشی از تصویر ۸)

در نگاره ۴ حضور درخت شاید به عنوان نمادی از انسانیت، بر بالای سر پیامبر به تصویر درآمده است (تصویر ۱۳) و می‌تواند در اشاره به مقام پیامبر به عنوان یک انسان کامل باشد.



↑ تصویر ۱۳ - نمایش شاخه درخت (بخشی از تصویر ۴)

وجود تخت‌های بهشتی از دیگر عناصر موجود در بهشت می‌باشند که قرآن کریم در موارد بسیاری به آن‌ها اشاره فرموده است. تصویر ۱۴ افرادی را نشان می‌دهد که در کنار نهر آب، بر تخت و سریر مقابل هم نشسته‌اند، در قرآن نیز مکرراً از تخت‌های بهشتی و مجالس دسته‌جمعی بهشتیان توصیف‌های جالبی شده است.



↑ تصویر ۱۴ - نمایش افراد بر تخت (بخشی از تصویر ۳)

در آیه ۱۵ و ۱۶ سوره واقعه آمده است: آنان بر سریرهای زربفت مرصع تکیه زده‌اند همه با یاران و دوستان رو به روی هم بر آن سریرها نشسته‌اند. در آیه ۱۳ سوره غاشیه «فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ» منظور از کلمه سُرُر، مرفوع بودن تخت، مرفوع بودن مقام و منزلت کسی است که بر آن تکیه می‌زند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۵: ص ۴۵۸). در اصطلاحات صوفیه سریر مرتبه‌ای رحمانی است (بورکهارت، ۱۳۶۲: ص ۸۱۰)، بنابراین نشستن بر سریر در کنار نهر آب (که به تعبیر ابن عربی قرآن است) در اینجا نیز می‌تواند کنایه‌ای باشد از رسیدن انسان به مرحله‌ای رحمانی در سایه توجه کردن به توصیه‌های قرآن؛ که آن نیز مرتبه‌ای از مراتب الهی است. همچنین در تصویر چند حوری در حالت ایستاده قرار دارند که روی سر هر یک از آن‌ها یک پرنده دیده می‌شود (تصویر ۱۵)، قرارگیری پرنده بر سر افراد شاید «نمادی از معراج روح انسانی به سوی حقیقت اعلی» بوده باشد (لویزون، ۱۳۸۴: ص ۲۳۱).



↑ تصویر ۱۵ - نمایش پرنده بر بالای سر افراد (بخشی از تصویر ۳)

حورالعین از دیگر عناصر تصویری در این نگاره‌ها است و قرآن نیز در موارد متعددی به آن‌ها اشاره نموده است که در بهشت همدم و انیس مؤمنان و زاهدان خواهند بود، در سوره‌های (الرحمن، دخان، طور، بقره و واقعه) تحت عنوان حورعین آمده است. این حوریان بهشتی در قرآن کریم به تخم مرغ و لؤلؤ تشبیه شده‌اند که اصل واژه حور به معنای بیضاء و سفیدی است. در اینجا چهار حوری در داخل قصر حضور دارند (تصویر ۱۶). در تفسیر المیزان آمده است: حورالعین نام زنان بهشت است، این حورالعین مانند لؤلؤ مکنون است یعنی لؤلؤیی که در صدف خود مخزون و محفوظ و دست نخورده است و این تعریف نشان دهنده منتهای صفای حور است (صارمی، ۱۳۸۶: ص ۲۱). سفید نماد نظافت و پاکی است و زنان بهشتی را از این جهت حور می‌گویند که پاک و دست نخورده‌اند علامه طباطبایی نیز سفیدی و درخشانی حوریان بهشتی را که همچون مروارید در صدف پنهان‌اند کنایه از این می‌داند که دست کسی به آن‌ها نخورده است (همان، ص ۱۳۹). همچنین پیامبر ﷺ در توصیف حورالعین و لباس‌هایش چنین فرموده‌اند: «... برای حوری هفتاد لباس حریر که تار و پودش از یاقوت و لؤلؤ و زبرجد بوده و آغشته به مشک و عنبر است، پوشیده شده است. بر سرش تاج کرامت و در پاهایش کفش‌هایی از طلای مزین به یاقوت و لؤلؤ و بند کفشش از یاقوت سرخ» (مجلسی، ۱۳۸۶: ص ۱۲۹). اصطلاح حور در ادبیات دینی و عرفانی نیز بسیار به کار رفته و ظاهراً آن را رمزی از صفات حسنه می‌دانند (رزسگای، ۱۳۸۵: ص ۳۳۰).



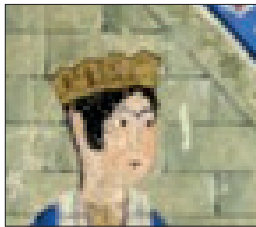
↑ تصویر ۱۶ - حوریان بهشتی (بخشی از تصویر ۴)

در شرح گلشن راز از لاهیجی هم به همین معنی آمده است (ذکاوتهی قراگزلو، ۱۳۷۹: ص ۵۲۶).

حور و غلمان جملگی اوصاف توست مهر و مه روحست و قلب صاف توست در نگاره‌های مذکور علاوه بر عناصر مشترک ذکر شده برخی از عناصر هم‌بسته به موضوع نگاره‌ها به صورت اختصاصی در هر نگاره به کار گرفته شده است که از آن میان می‌توان به تاج، کتیبه، محراب و ... اشاره نمود. در نگاره ۴ این موجودات با تاجی بر سر به نمایش درآمده‌اند، «تاج دوازده ترک که نماینده دوازده طلب اهل سلوک باشد و در هر ترک، ترک یک قبیح کند و طلب یک فعل خوب تا شایسته سلوک باشد» (رزسگای، ۱۳۸۵: ص ۲۱۹).

ای که می‌پوشی لباس اهل دل یک‌ره بدان که ره معنی ده و دو ترک دارد تاج شاه
 ترک بخل و ترک بغض و ترک قهر و ترک کین ترک خودبینی و ترک عین کن بی اشتباه
 ترک نخوت، ترک شهوت، ترک آزارکسان ترک خور، پس ترک خواب و ترک افعال تباه
 (همان)

تاج عبارت است از عدم تناهی از منزلت و مکانت چه صفات اولاینهایی است لکن شهود آن به صورت جمع و حصر متناهی است (بورکهارت، ۱۳۶۲: ص ۷۸۴)؛ بنابراین گذاشتن تاج بر سر می‌تواند نشانه گذر از مرحله پست حیوانی و طی طریق باشد و بنا بر گفته پیامبر ﷺ رسیدن به مقام کرامت باشد که در این نگاره نیز مشاهده می‌شود (تصویر ۱۷).



↑ تصویر ۱۷ - نمایش تاج بر سر (بخشی از تصویر ۴)

در مرکز این نگاره حوری‌ای ایستاده است که دستانش را در آستین به صورت حلقه پنهان کرده است (تصویر ۱۸)، نمونه‌هایی از این حالت را در تصاویر نگارگری نیز می‌توان به کرات دید که «در اصطلاح به آن دست در آستین داشتن گویند و کنایه از دست سیر باشد که هم به سیر حق تعالی رسد» (تاجدینی، ۱۳۸۲: ص ۳۹۸).



↑ تصویر ۱۸ - حوریان بهشتی (بخشی از تصویر ۴)

در قسمت بالایی نگاره ۴، بر درگاه ورودی یک پرده آویزان شده است (تصویر ۱۹)، این پرده می‌تواند، نمادی از حجاب غیب باشد که معشوق در آن پنهان است و خلقی را در حیرت سرگشته دارد (سهروردی، ۱۳۹۷: ص ۲۳۵). «پرده حجاب میان حق و بنده است و مانعی را گویند که میان عاشق و معشوق قرار دارد و از لوازم طریق باشد از جهت معشوق» (شین‌دشتگل، ۱۳۸۹: ص ۲۱).



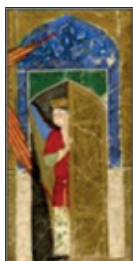
↑ تصویر ۱۹ - نمایش پرده بر درگاه ورودی (بخشی از تصویر ۴)

در تصویر ۱ بر بالای سردر ورودی بهشت نقش محراب وجود دارد (تصویر ۲۰) این نقش در نگاره حوض کوثر نیز بر بالای سه درگاه، در قسمت میانی تصویر دیده می‌شود (تصویر ۲۵) به تعبیری می‌توان گفت: حضور در اساساً به معنی گذرگاه و نمایانگر عبور از وضعی به

وضع دیگر به ویژه از بیرونی به درونی است (صدرالدین شیرازی، ۱۳۷۸: ص ۱۱۹). همچنین «محراب نمادی از تلاقی عرش با فرش، یا خدا با انسان است» (کلارک، ۱۳۸۲: ص ۱۱۹) و «در تمامی معماری‌های مقدس، محراب صورتی از قدس الاقدس یعنی تجلیگاه خداوند بوده» (الفتی تبریزی، ۱۳۷۷: ص ۷۷). یکی از معانی نمادین محراب دروازه‌ای به سوی روح و به سوی باطن و مأورای خود حقیقی انسان است و نشان دهنده دری به عالم دیگر، یعنی پردیس است. اگرچه محراب به لحاظ فیزیکی مثل درها، گشودنی نیست اما به لحاظ متافیزیکی نشان دهنده روزنه‌ای از زمان به سرمدیت است (کلارک، ۱۳۸۲: ص ۱۱۸ و ۱۱۹).



↑ تصویر ۲۰ - نقش محراب (بخشی از نگاره حوض کوثر)



↑ تصویر ۲۱ - نقش محراب (بخشی تصویر ۱)

در نگاره شماره ۱ فضای میانی درگاه ورودی، در پشت فرشته دربان با رنگ سیاه به نمایش درآمده است (تصویر ۲۱). در واقع می‌توان گفت تاریکی در اینجا به مثابه نور است همان‌گونه که «در وضعیت فنا، یک حالت بی‌خبری کامل، نسبت به شیء و یا نفس وجود دارد شخص به سمت تاریکی پیش می‌رود، درحالی‌که کوچک‌ترین آگاهی نیز نسبت به خود تجربه

وجود ندارد و هیچ تصویری نیز موجود نیست. در وضعیت بقاء، ذهن مجدداً نسبت به عالم پدیدارها (عالم ظاهر)، هوشیار می‌شود، اما در این زمان، اشکال و تصاویر مذکور در واقع، صور قابل مشاهده‌ای هستند که جوهر الهی، در آن‌ها خودش را آشکار ساخته است در تاریکی، فرد در حال حرکت به سوی نور است و همه کثرت‌ها، در تاریکی ناپدید می‌شوند. تاریکی‌هایی که توسط نور ناب و خالص هستی اشباع گردیده‌اند» (معمارزاده، ۱۳۸۶: ص ۱۶۸ - ۱۶۷). لاهیجی هنگام شرح گلشن راز، موضوع نور سیاه را می‌شکافد. به نظر او نور سیاه، همان جوهر پاک است که قائم به ذات، پوشیده و نامرئی است که فقط پس از فنای فی الله قابل درک خواهد شد (لاهیجی، ۱۳۸۷: ابیات ۱۲۳ تا ۱۲۹). نگاره‌ی شماره ۱ عبارت (لاله‌الاله) و (محمد رسول الله) بر سر در دروازه آمده است این عبارت همچنین در نگاره شماره ۶ بر کتیبه سر در ورودی قرار دارد که بر آن عبارت (لاله‌الاله)، (محمد رسول الله) و (علی ولی الله) نوشته شده است (تصویر ۲۲ و ۲۳). در واقع این گفتار، اولین بیان تفکر وحدانیت پروردگار (وحدت وجود) است که تعدد و کثرت خدایان دروغین و القاب جداگانه آن‌ها را از بین می‌برد و خنثی می‌کند (معمارزاده، ۱۳۸۶: ص ۲۸). در اصطلاحات و تعبیرات عرفانی آمده است که «ایمان را هفتاد و اندی باب است که بالاترین ابواب شهادت (لاله‌الاله) است» (رزسگای، ۱۳۸۵: ص ۱۷). ملاصدرا نیز گفتن کلمه‌ی (لاله‌الاله) را در دنیا سبب رجحان کفه حسنات انسان و نهایتاً ورود او به بهشت می‌داند (همان، ص ۱۱۴).



↑ تصویر ۲۲ - عبارت (لاله‌الاله)، (محمد رسول الله) (بخشی از تصویر ۵)



↑ تصویر ۲۳ - عبارت (لاله‌الاله)، (محمد رسول الله) و (علی ولی الله) (بخشی از نگاره حوض کوثر)

نتیجه‌گیری

دومین اصل مهم اعتقادی در دین اسلام، ایمان به معاد و روز رستاخیز است و در اسلام کمتر موضوعی به اندازه معاد و نتیجه عمل انسان که همان بهشت و جهنم است، دارای اهمیت است. موضوع بهشت علاوه بر توصیفات قرآن در روایات مربوط به معراج و روایات دیگر نیز به روشنی نقل شده است. یکی از نمونه‌های تصویری که در آن به شرح مشاهدات پیامبر اکرم از صحنه‌های بهشت پرداخته است؛ معراج نامه میرحیدر است. در تصویرگری این نسخه نگارگر علاوه بر مصور نمودن داستان به بیان مفاهیم نمادین مورد نظر خود پرداخته است که در اکثر نگاره‌های این نسخه شاهد تعدادی از این عناصر و عوامل تصویری اصلی و ثابت هستیم. این عناصر با اندکی تغییر در نگاره‌های دیگر نیز مشاهده می‌شوند از جمله تاج، تخت، شکوفه‌ها و درختان با تنه‌ی طلایی، نهرها، حوریان و... می‌باشند. به این ترتیب چنین می‌توان بیان نمود: مفاهیم عرفانی، همچون نقش محراب که نشان‌دهنده دری به عالم دیگر، یعنی پردیس است، تاج دوازده ترک که نماینده دوازده طلب اهل سلوک است و همچنین عناصر دیگری همچون تخت، تاریکی و... در نگاره‌های این نسخه اشاراتی است که از دیدگاه عارفانه مصور این نگاره‌ها سرچشمه می‌گیرد که در قالب عناصری بامعنای فراواقعی خود به کاررفته‌اند و به شکل نمادین به بیان حقایق و آموزه‌ها می‌پردازند. در واقع به شکلی معنا در معنا آوردن می‌باشند، همان‌طور که قرآن علاوه بر معنای ظاهری، دارای معنای باطنی و هر آیه، برخوردار از هفت یا هفتاد بطن است و این امر نشان‌دهنده آگاهی نگارگر از جهان عرفانی و عالم معنا است.

▲ فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۸۰). ت: مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: روزنه.
۱. ابن عربی، محمد بن علی (۱۳۸۱). الفتوحات المکیه فی معرفه اسرارالمالکیه و المکیه، باب (۳۵ - ۶۷)، ت: محمد خواجوی، تهران: مولی
 ۲. ابن عربی، محمد بن علی (۱۳۸۴). الفتوحات المکیه فی معرفه اسرارالمالکیه و المکیه، باب (۱۶۲ - ۱۸۸)، ت: محمد خواجوی، تهران: مولی
 ۳. ابوالعلاء المعری، احمد بن عبدالله (۱۳۷۹). رساله الغفران، ت: حیدر شجاعی، تهران: مجتمع علمی و فرهنگی مجد.
 ۴. اشتهازی، محمد (۱۳۷۸). سیمای معراج پیامبر ﷺ از دیدگاه‌های گوناگون، چاپ سوم، تهران: نبوی.
 ۵. الفتی تبریزی، سید شرف‌الدین (۱۳۷۷). فرهنگ نمادهای عرفانی در زبان فارسی، تهران: مولی.
 ۶. بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۲). هنر اسلامی زبان و بیان، ت: مسعود رجب‌نیا، تهران: سروش.
 ۷. تاجدینی، علی (۱۳۸۲). فرهنگ نماد و نشانه‌ها در اندیشه‌ی مولانا، تهران: سروش.
 ۸. جلالیان، مینا (۱۳۸۹). بررسی مبانی زیبایی‌شناسی از دیدگاه مولوی، ماهنامه تخصصی منظر، (۸): ص ۱۰ - ۱۳.
 ۹. ذکاوتی قراقرلو، علی‌رضا (۱۳۷۹). عرفانیات (مجموعه مقالات عرفانی)، تهران: حقیقت.
 ۱۰. زرسگای، ماری (۱۳۸۵). معراج نامه سفر معجزه‌آسای پیامبر ﷺ، ت: مهناز شایسته‌فر، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران: (مهاس).
 ۱۱. زارع مهرجردی، محبوبه (۱۳۸۸)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد «تبیین ویژگی‌های تصویری بهشت و جهنم در معراج نامه شاهرخی»، دانشگاه شاهد-دانشکده هنر.

۱۲. سبزواری، محمدابراهیم (۱۳۳۰ ه.ق). شرح برگلشن راز شیخ محمود شبستری، تهران: چاپ سنگی.
۱۳. سجادی، سید جعفر (۱۳۷۰). فرهنگ اصطلاحات و تعبیّرات عرفانی، تهران: طهوری.
۱۴. سلیمانی، مرضیه (۱۳۹۰). اصطلاحات صوفیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. سه‌روردی، شهاب‌الدین (۱۳۹۷ ه.ق). مجموعه سوم مصنفات (شامل ۱۳ رساله)، تهران: انجمن فلسفه د.
۱۶. شین دشتگل، هلنا (۱۳۸۹). معراج نگاری نسخه‌های خطی تا نقاشی مردمی با نگاهی به پیکرنگاری حضرت محمد ﷺ سده‌های ۸ - ۱۴ ه.ق، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۷. صارمی، سهیلا (۱۳۸۶). مصطلحات عرفانی و مفاهیم برجسته در زبان عطار (جلد ۱ آ-د)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۸. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۴۱۰). الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ج ۱، ت: محمد خواجوی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۷۸). الحکمه المتعالیه فی الاسفار الاربعه، ت: محمد خواجوی، تهران: مولی.
۲۰. طاهرخانی، عبدالله و دیگران (۷۹-۱۳۷۸). فرهنگ واژگان ادبی و عرفانی، تهران: وزای دانش.
۲۱. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳). المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. کاشانی، شیخ عبدالرزاق (۱۳۷۲). اصطلاحات الصوفیه، محمد خواجوی، تهران: مولی.
۲۳. کربن، هانری (۱۳۸۳). انسان نورانی در تصوف ایرانی، فرامرز جواهری نیا، تهران: گلبان.
۲۴. کلارک، اِما (۱۳۸۲). «هنر سجاد (محتوا و رمز)»، مجموعه مقالات (عرفان ایران)، گردآوری و تدوین: مصطفی آزمایش، شماره ۱۹، تهران: حقیقت.
۲۵. لاهیجی، محمد بن یحیی (۱۳۸۷). مفاتیح الاعجاز فی شرح گلشن راز، تهران: سنایی.
۲۶. لویزون، لئوناردو (۱۳۸۴). میراث تصوف، جلد ۲، مجدالدین کیوانی، تهران: مرکز.
۲۷. مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۶). بحار الانوار، جلد ۱۸، تهران: کتابچی.
۲۸. معمارزاده، محمد (۱۳۸۶). تصویر و تجسم عرفان در هنرهای اسلامی، تهران: دانشگاه الزهرا.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۵). تفسیر نمونه، جلد ۲۵، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

▲ بی نوشت

١. و قال النبي ﷺ: «إِنَّ لِلْقُرْآنِ ظَهْرًا وَبَطْنَاً وَبَطْنَاً وَبَطْنَاً لِبَطْنِهِ بَطْنٌ إِلَى سَبْعَةِ أَبْطُنٍ» (أملی، ١٣٦٨: ٥٣٠).
٢. «وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ» (رعد / ٢٣).
٣. «جَنَّاتٌ عَدْنٌ مُمْتَعَةٌ لَهُمْ الْأَبْوَابُ» (ص / ٥٠).
٤. «لَا تُفْتَحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ» (اعراف / ٤٠).
٥. «وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ» (ق / ٢١).
٦. «وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَكْنُونٌ» (واقعہ / ١٧).
٧. «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ...» (نور / ٣٥).
٨. «وَلَقَدْ رَآهُ نَزْلَةً أُخْرَى * عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى * عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَى * إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَى» (نجم / ١٣ - ١٦).
٩. «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ» (رعد / ٢٩).
١٠. (بقرہ / ٢٥)، (آل عمران / ١٥، ١٣٥، ١٩٥، ١٩٨)، (نساء / ١٣، ٥٧، ١٢٢)، (مائده / ١٢، ١١٩)، (توبہ / ٧٢، ٨٩، ١٠٠)، (يونس / ٩)، (رعد / ٣٥)، (ابراهيم / ٢٣)، (نحل / ٣١)، (كهف / ٣١)، (طه / ٧٦)، (حج / ١٤، ٢٣)، (فرقان / ١٠)، (عنکوت / ٥٨)، (زمر / ٢٠)، (محمد / ١٢)، (صف / ١٢)، (طلاق / ١١)، (تحریم / ٨)، (بروج / ١١)، (بینہ / ٨).
١١. «أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ».
١٢. «أَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرَ طَعْمُهُ».
١٣. «أَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ».
١٤. «أَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى».

١٥. «مُتَكَيِّنٍ عَلَى سُورٍ مَّصْفُوفَةٍ» (طور/٢٠).
١٦. «عَلَى سُورٍ مَوْضُونَةٍ * مُتَكَيِّنٍ عَلَيْهَا مُتَقَابِلِينَ»: (واقعه/ ١٥ و ١٦).
١٧. «يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ»: (دخان/٥٣).
١٨. «جَنَاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ وَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ»: (فاطر/٣٣).